

تیزس استراتیژی افغانی

برای تامین صلح و ثبات پایدار در افغانستان

درینجا میخوانید:

- سوالهای اساسی و مبهم از جلالتماب " کرزی "
- نیت بازیگران بین المللی در تامین صلح
- چه باید کرد؟
- مشکلات اساسی کدامها اند؟
- راه عملی و برونرفت از مشکلات و بحران
- طرح و تدوین یک استراتیژی افغانی عملی تامین صلح در کشور، تحت شعار نجات وطن از تجزیه و فاجعه
- در بعد سیاست داخلی
- در بعد سیاست خارجی
- مکانیزم تطبیق و تحقق عملی آن
- دیپلوماسی فعال افغانی با بازیگران خارجی

- وظایف وزارت امور خارجه ی افغانستان و نمایندگی های سیاسی آن مقیم کشور های خارج در قبال این استراتیژی

منحیث یکی از مبتدیان عرصه سیاست و دیپلوماسی اینبار خواسته ام در آغازین این نبشته بدون مقدمه و پیشگفتار، رک و راست، شفاف و روشن تبصره ی را از درد و آلام و داشته های دل خود و هموطنانم را با طرح چند سوالی با جلالتمآب آقای کرزی که زمانی در وزارت امور خارجه افغانستان روابط کاری داشتیم؛ و همچنان خدمت سایر هموطنان عزیز تقدیم نموده و در اخیر تیزسی را برای برون رفت از بحران افغانستان، به ابتکار مردم افغانستان، پیشنهاد می نمایم.

از آنجائیکه در افغانستان حضور نظامی آمریکا و متحدین آن بر مبنای فیصله شورای امنیت سازمان ملل متحد، بخاطر مبارزه بر ضد تروریسم و دهشت افگنی القاعده و طالبان صورت پذیرفت، تسجیل این فیصله نامه در اسناد شورای امنیت ملل متحد، حضور این نیروها را صبغه ی قانونی بخشید. و طی ۹ سال اخیر وضع کشور آستن شرایطی گردید تا زمینه ی بازگشت مجدد بنیادگراها در حاکمیت آقای کرزی مساعد گردد.

اینکه چه کسانی چنین شرایط را مساعد ساختند؛؛ برای هموطنان مان چون خورشید تابناک ، روشن و مفهوم است. همه تعهدات و وعده های داده شده در رابطه با مبارزه بر ضد بنیادگرایی و تروریسم ، باز سازی کشور ویران شده، استقرار ، تامین و تحکیم امنیت سراسری، اعاده ی دموکراسی، حقوق زن... نی تنها در برابر ملت ما، بل در برابر جامعه ی جهانی، طی بازی های از قبل برنامه ریزی شده، که دولتمردان افغانستان، چه آگاهانه و چه ناخود آگاه؟ آنرا همراپی کردند، انطباق آن همه راهکار ها، پیامد هایی را در بر داشت، طوریکه سیاستگذاران، نه سیاست مداران، میخواستند ، رویکرد های چنین پیامد ها، آن چنان باشد که شد.

در این ایامی که نیرو های بین المللی در افغانستان مصروف جنگ اند، رژیم پاکستان از یکطرف با تجارب و نفوذی که میان سران مجاهدان داشت با بازی های گونه گون ، زیرکانه و ماهرانه به پلان سازیها و نقش آفرینی جنگ را در افغانستان شعله ور نگهداشت؛ و از جانب دیگر خود را همکار و یاور قوتهای بین المللی جلوه داده خزینه های بانکی را از کمک های اقتصادی و بشر دوستانه به تجهیز و مدرنیزه سازی قوت های نظامی خویش

پرداخته و به تحکیم نفوذ استخباراتی با تروریستان استفاده برده است. همچنان از آوانیکه بازیهای پنهانی پاکستان به رسانه ها کشیده شدو با اسناد افشا گردید، بازهم رژیم استخباراتی پاکستان به بازیها زیرکانه و بیشرمانه و چندین جانبه ادامه میدهد و از طالبان، حقانی و القاعده در خفا حمایت میکند و در این تنور داغ نان میپزد و سود می جوید.

با ارایه یک مثال کوچک میتوان عملکرد دولتمردان دو کشور (افغانستان و پاکستان) را ارزیابی کرد ، با سرازیر شدن سیلاب در پاکستان رژیم این کشور به زودترین فرصت توانست کمک های بین المللی را جلب نماید(که تنها کشور های اسلامی تا اکنون، یک ملیار دالر وعده ی کمک را به پاکستان داده اند)، و هیچ شک ندانید که از(گاو، غدودی) به مردم خواهد رسید و این پولها و کمک های کلان در جیب سران رژیم و دستگاه های استخباراتی قرار خواهد گرفت.

ولی در افغانستان با وجود تعهدات به کمک های بین المللی، جذب و کاربرد موثر آن نیتنها مشهود نیست، بل پروبلم بزرگی را میان دولت افغانستان و کشور های کمک کننده بر سر نحوه ی واگذاری این کمکها از طریق دولت افغانستان و یا نهاد های مستقل در جریان است که دولت پاکستان با این مشکل روبرو نیست. تعجب بر انگیزتر اینکه رئیس جمهور آقای کرزی یک میلیون دالر(*) پول گدایی را سخاوتمندانه به رژیم پاکستان تحت نام سیلاب زدگان می بخشد، و به آن هم قناعت ندارد بلکه گروهی از دکتوران و پرسونل طبی را در آنجا اعزام میدارد. همه شاهد اند که متأسفانه هزارها نفر از هموطنان ما از اثر انفجار و راکت و نبود ادویه و دکتور و خوراک مساعد جان خویشرا از دست میدهند و با تأسف به غربت نشستگان وطن چه که به سیلاب زدگان کشور نیز مساعدت لازم صورت نمی گیرد.

اینجا سوالات اساسی و مبرم در مورد رویکرد حکومتی بنام "جمهوری اسلامی افغانستان" مطرح میشود :

اول: آیا شما آقای کرزی با تیم کاری خویش توانسته اید، طی دو دوره ریاست جمهوری خویش ابتکار عمل سیاسی – دیپلوماسی را از پاکستانی ها گرفته و به سود و منافع مردم و کشوریکار برده و عمل نمائید؟

دوم : چه انگیزه های زیر، نقش شما را در مصالحه با طالبان بر جسته میسازد ؟

الف : اینکه شما مدتی خود یکی از برجسته ترین عضو طالبان بودید .

ب : مشوره و همرايي و فشار تعدادی از کشور های حامی طالبان .

ج : ضعف و ناتوانی قوت‌های نظامی و استخباراتی حکومت شما در برابر طالبان .

د : نادیده گرفتن توهین به عنعنات ، فرهنگ و خونبهای مردم افغانستان از طالبان .

آقای کرزی چگونه وبا کدام حق شما توهین و تحقیری را که بر حق مردم افغانستان صورت میگیرد نا دیده می گیرد ؟ مگر خیانت و جنایات طالبان را که از آفتاب روشنتر است شما با چشم های تان نمی بینید زیرا که طالبان و گروه های چون گلبدین ، حقانی و القاعده ، مردم را با تیغ حلال میکنند، مدارس و مکاتب را به آتش میکشند و با گاز سمی مردم را وادار میسازند که اولاد این مملکت بی تحصیل و بی تعلیم بمانند و محافل خوشی و خوشحالی را قطع میکنند و نوار های موزیک را از بین میبرند و تندیس بودا را به توپ می بستند و به جای عطر، عرق در ریش وپشم مردم جاری میکنند و دهها جرم و جنایت دیگر که در حق شیر زنان این مرز و بوم انجام داده اند .مگر حاکمیت اینان که شما نیز با ایشان بوده اید را مردم با گوشت، پوست و استخوان خویش لمس نه نموده اند ؟ چرا آن جلالتمایی چشم ها را بسته اند و چنان می پندارند که هیچ کس شما را نمی بیند . مگر گوش، بینی بریدن زنان و سنگسار و به دار کشیدن و قمچین و دره زدنهای طالبان را که همین اکنون زیر حاکمیت شما بجا میدارند نمی بینید و یا سر بریدنهای خبرنگاران و، جوانان ولایت لغمان ... را در رسانه های رسمی و غیر رسمی نه خوانده و نه شنیده اند، مگر شما به ظاهر بررسی چنین جنایات را به کمیتهء محول نکرده اید؟ آیا خبر ندارید؟؟ اگر دارید پس چرا خون هزاران بیوه زنی که در زمان حاکمیت سیاه این لشکر پاکستانی شوهران و جگر گوشه های خود را از دست داده اند، موافق به حذف نام طالبان از لیست سیاه، ویا معامله و مصالحه با ایشان، بوده اید؟

اگر شما آقای کرزی چنین میپندارید که این رویکرد « تفاهم دوستان بین المللی بوده است و بناً میتوان بی هراس درین جهت گام برداشت»؛ پس برایتان قابل تامل خواهد بود که در برابر اکثریت قاطع مردم و ملت خود چه نوع پاسخی خواهید داد؟ آگاه باشید که تاریخ کشور ما چنین معاملات را ننگین میگویند و بر آن صحنه نخواهند گذاشت .

مگر آقای لیام فکس وزیر دفاع انگلیس، افغانستان را یک کشوری قرون وسطایی معرفی نداشت؟ این تبلیغ چنین در ذهن تداعی میشود که " آماده ساختن ذهنیت عامه غرب برای پذیرش و برگرداندن دوباره ی طالبان بوده است ." و موصوف سند شرعی ای هم به جوامع غربی توانسته است ارایه بدهد و آن عبارت از سه شهادت است:

« - رییس جمهور با ریش، کلاه، چین و پیراهن و تنبان، - معاون اول با ریش، پکول و واسکت و پیراهن و تنبان، - معاون دوم باریش و لنگی و واسکت و پیراهن و تنبان؛ همه در نشست های بین المللی ظاهر میشوند، دوایر رسمی با چنان حبا و قبا که در صد سال گذشته دارای انتظام بود، متأسفانه اکنون به تقلید از رهبری حکومت، سیمای کوچه ی مندوی را به خود اختیار کرده است که در رسانه های غرب تقریباً همه روزه بازتاب مییابد.»

اما مردم ما میدانند که بعد از گذشت بیشتر از یک قرن در حاکمیت و رهبری کشور ما، فقط و فقط همین حکوت فعلی بوده که این میراث (حبا و قبا " قرن سیزده ") را به حکومت و مردم، سر از نو بنیاد گذاشته است. مردم ما نباید از اهانت آقای لیام فکس خشمگین شوند. که متأسفانه شده اند.

مصالحه و معامله با نیرو های طالبان که بدون هیچگونه شک و تردیدی به نیرو های بنیادگرا و تروریست نزد جامعه ی جهانی شهرت دارند، به خاطر تامین صلح دایمی، چنین به نظر میرسد که یک خیال واهی بیش نیست و نی تنها ثمر بخش و موثر نیست، بل تراژید زا میباشد.

برای شناسایی دقیق پدیده ی طالبان که هزار ها مطلب در رابطه با عوامل ظهور و کارکرد هایشان، طی سالیان متمادی در کتب و در رسانه های مختلف به دست نشر رسیده است، و مردم ما هم این لشکر برون مرزی پاکستان را به خوبی میشناسند و بعد از افشای هزاران سند محرمانه ی افشاء شده توسط سازمان « ویکی لیکس»، اکنون مردم عامه غرب نیز از آن آگاهی حاصل نموده اند، جز ابزار سیاسی ای برای رسیدن به اهداف ستراژیکی، نمیتواند چیز دیگری حتا توجه شود.

برای ثبوت ادعا در اینجا از گفتار یکی از مسولین استخبارات افغانستان " آقای میر حمزه " که دو سال قبل طی مصاحبه ای با رسانه ها، ابراز داشته بود و در آن وقت در داغ ترین مرکز ضد و بند ها با طالبان (ولسولی سنگین ولایت هلمند) به حیث مسوول امنیت ملی ایفای وظیف میکرد، را خدمت شما بازگو بدارم :

۶۰ فیصد از جنگجویان و طالبانی که مصروف جنگ میباشند، نیروهای خارجی اند (اعضای القاعده، پاکستانی، چیچینی، ازبکستانی، عربی، تاجیکستانی،...) ۴۰ فیصد افغانی تبار اند که شامل گروپ های زیر اند:

اول: طالبان بنیادگرا (که سر، گوش، بینی، انگشت و دست میبرند؛ مکاتب و و موءسسات عام المنفعه را به آتش کشیده و به عملیات انتحاری میپردازند و....)

دوم: طالبان ۱۰ دالری (ایشان که از محل و منطقه اند، بیکار و بیروزگار برای اعاشه و ابطه ی فامیل های شان ناگزیر به طالبان پیوسته اند).

سوم: افراد با نفوذ مسلح محلی در تبانی با مافیای منطقوی و بین المللی (که بیشتر در درگیری های قاچاق مواد مخدر سهیم اند).

اکنون فهم این مطلب مشکل مینمایند، تا مردم بدانند که آقای کرزی و تیمش با کدام یک از این گروه ها باب مذاکره و مصالحه را در پیش گرفته اند و متوقع اند که آن گروه پیام آور صلح میباشند؟

هرگاه شما آقای کرزی و همراهان تان در مصالحه و معامله با طالبان تن در دهید، عواقب خونین و تراژید آن را باید از همین حالا پیشبین بود. همین حالا تحرکاتی مشهود است کشور های زیادی در منطقه آماده اند که با ورود طالبان، روند این تراژیدی را که اگر جناب شما بنا نهند، هرچه بیشتر گسترده تر سازند و هر گونه امکانات را در اختیار سایر ملیت ها که مخالف ورود طالبان اند، قرار دهند. و ملیت های دیگر شرایط قتل های عام، وحشت و جنگهای تنظیمی و طالبانی را چه در زمان حاکمیت ایشان و چه تاکنون که هنوز هم این وحشت ادامه دارد را به هیچصورت فراموش نکرده اند و نمیکنند.

چهارم: آیا چه کسانی از چنین رویکرد ها و رهبری ای که میخوانند قانون وحشت و دهشت را که اکثریت جامعه ی جهانی همه روزه آن را محکوم مینمایند را در کشور نافذ نمایند که در مغایرت کامل با قوانین بشری ملل متحد قرار دارد؛ و منجر به وقوع فجایع گسترده، ، حوادث خونبار و در فرجام، تجزیه ی کشور و سیه روزی ملت به خاک و خون کشانیده ی مان خواهد شد، پاسخگو خواهد بود؟ و بار گران این همه مسئولیت سنگین را که بدون هیچنوع تردیدی درج صفحات سیاه تاریخ کشور مان خواهد شد، به عهده خواهند گرفت ؟
درین خصوص میتوان صد ها سوال را ردیف و راجع ساخت. ولی یک نتیجه را بایست به دست داد که متأسفانه حکومت افغانستان یک حکومت سیاسی بوده است نه یک حکومت اجرایی و مردمی .

ببینید!!!

میخواهم یک مطلبی را بخاطر دهم که خلوص نیت همه بازیگران را در مورد قضایای افغانستان بازگو میکند و آن اینکه: اتفاقاً در اپریل ۲۰۰۸ برای شرکت در یکی از کنفرانس ها تحت نام " استراتژی جدید در مورد افغانستان" از جانب محل کارم، برای اشتراک در آن توظیف شدم. در میانه ی کار کنفرانس (تفریح نوشیدن

چای و قهوه)، با آقای اتمر ملاقی شدم. ما باهم نمیشناختیم. طوریکه ایشان از چهره ام شناسایی نمودند که من افغان هستم با هم احوالپرسی نمودیم. ایشان کارت ویزیت من را مطالبه نمودند و گفتند میخواهم بعداً" با شما تماس حاصل نمایم. که من برایشان گفتم: با عرض معذرت، بکس جیبی ام در جیب بالاپوشم، در پایین فراموش شده است ولی بعداً" آن را به اختیار شما قرار خواهم داد!" بدین ترتیب از دادن ویزیت کارت عمداً" اجتناب ورزیدم، که بعداً" از جانب همکارانم، مورد انتقاد قرار گرفتم. بعد از کنفرانس که بایست گزارشی از نتایج و تدویر کار کنفرانس مینوشتم، که نوشتم. در گزارش نوشته ام که درین کنفرانس هیچنوع راهکار و برنامه تازه برای تامین امنیت در افغانستان اصلاً" وجود نداشت. در کنفرانس چیز نو، موثر و مفید نشنیدم، نماینده های افغانستان، یوناما... در بیانیه های شان، هرکدام به نوبه خود، فقط از دست آورد های افغانستان سخن میراندند و هر یکی به تایید از اظهارات دیگری به ابراز نظر میپرداختند. هیچکدام به نقاط ضعف رویکرد ها و راه برون رفت از مشکل شیوه مبارزه قاطع با تروریسم سخنی نگفتند. به نظرم برنامه آوردن صلح اصلاً" وجود ندارد.

این برای من بسیار مایوس کننده و دلگیر بود که با یک امیدواری بزرگ با در نظر داشت عنوان دلپذیر این کنفرانس «استراتژی نو در مورد افغانستان»، شرکت نموده بودم. همین حالت هم باعث آن گردید که من از دادن ویزیت کارت به آقای اتمر امتناع ورزم.

از نشست فوق الذکر چنین بر می آید که کلیه نشست ها و استراتژی ها، در مورد افغانستان، از نشست و همایش بن تا نشست کابل، همه غرض آلود و عوامفریبانه بوده اند؟ .
طوری که میگویند:

« در جهان بال و پر خویش گشودن آموز – که پریدن نتوان کرد به بال دیگران».

من موقف و موضع شما را آقای کرزی به خوبی درک مینمایم، موقعیتی بسیار سنگین و دشوار با انبوهی پروبلم های گیج کننده. فشار های همه جانبه از هر سمت و سو، اما در بحبوحه و در نظر داشت موجودیت هجوم چنین بنبست ها، راه برون رفت چه خواهد بود؟ البته من میخواهم به شکل تیزس گونه یا راه حل مشکل کشور را با در نظر داشت تجسم کلی از کلیه رویداد های نه سال اخیر در کشور، منطقه و جهان، بنا بر مسوولیت فعالیت های کاری و وظیفوی خویش، که بصورت مستدام و پیگیر، آن را تعقیب نموده ام، پیشکش مینمایم:

چه باید کرد؟

درینجا مقدم بر همه سه سوال مهم و اساسی را مطرح مینماییم:

اول: چه کسانی میتوانند نقش ومسئولیت این رسالت بزرگ تاریخی را عهده دار شوند؟

دوم: باید بر جسته ساخت که مشکلات اساسی کدام ها اند؟

سوم: راه عملی برون رفت این بحران درهم پیچیده چه خواهد بود؟

طرح عملی راه نجات افغانستان از لبه ی این پرتگاه هولناک کدام است؟

(کدام هنجار ها و رویکرد ها را چگونه؟ از کجا؟ آغاز کرد تا بر مشکلات و منازعه ی افغانستان نقطه ی پایان داد و به اهدافی که عبارت اند از استقرار صلح پایدار، خوشبختی و سر بلندی ملت ما، باز سازی و شگوفایی کشور میباشند، رسید؟).

به جواب سوال اول باید گفت که این دولتمردان و ملت افغانستان اند که این نقش تاریخی را بایست ایفاء نمایند و میتوانند ازین مبارزه ی دشوار سربلند به این نیل رسند.

جواب سوال دوم:

مشکلات اساسی:

- بحران اعتماد و هماهنگی بین حکومت و پارلمان حکومت و مردم، حکومت و جامعه ی جهانی.
- مبارزه ی در برابر تروریسم و بنیاد گرایی. و عدم شفافیت استراتژی غرب و افغانستان درین راستا
- رشد روز تا روز کشت، تولید و ترافیک مواد مخدر به رهبری مافیای بین المللی به کمک دولت افغانستان (دولت افغانستان خود، مانعی در محو کامل کشت کوکنار بوده است).^{۱*}
- نبود یک استراتژی افغانی برای بیرن رفت از بنبست ها.

- ناکامی حکومت افغانستان در موثر بودن عملیات در باشگاه ها و فراگاه های بنیاد گرایی در جایگاه اصلی آن در پاکستان.

- ناکامی در کمرنگ ساختن و تضعیف دیپلوماسی پاکستانی و خنثا سازی برنامه های استخبارات نظامی آن (آی اس. آی)

- فساد اداری

- فقر زدایی

- ساختار حکومت با معامله و زدو بند های سیاسی ، نه شایسته سالاری.

- موجودیت یک حکومت سیاسی (نه اجرایی).

- نادیده گرفتن اصل توجه به جلب و همسویی ذهنیت جامعه ی غربی نسبت به روند واقعی مشکلات و راه برآیند از آن، از مجاری دیپلوماسی.

- کم بها دادن به مشارکت و همکاری دول منطقه ، کشور های همسایه و نادیده گرفتن منافع آنها در افغانستان.

- عدم داشتن یک استراتیژی افغانی برای باز سازی و انکشاف زیر ساخت های اقتصادی کشور

- در مدت ده سال اخیر استراتیژی ها در مورد تامین - تحکیم صلح دموکراسی، دفاع از حقوق زنان،... در افغانستان « اعلانی » بوده است نه « اعمالی»، نی تنها در شعار باقی مانده، بل از آن عقب نشینی صورت میگیرد.

- ابتکار دیپلوماسی افغانستان به دست پاکستان.

- عدم توجه به زخم خونین خط دیورند(ابزار سیاسی پاکستان)؛ آنچه که یکی از عوامل تشنج در روابط تاریخی دو کشور شمرده میشود. عدم روابط و حسن همجواری دو کشور همسایه.

جواب سوال سوم:

طرح و تدوین یک استراتیژی افغانی تامین صلح که در شرایط حاد کشور مان کاربرد آن موثر باشد.

تطبیق و تحقق این استراتژی افغانی که کار ساده ی نخواهد بود، کار دشوار و وطنپرستانه، تحمل و حوصله مندی بلند، پایداری در برابر مشکلات عدیده ای که از نو ایجاد خواهد شد، هوشیاری- زیرکی، تجربه، ابتکار عمل، سنجش دقیق ، آگاهی سیاسی در امور و مسایل افغانستان، منطقی- فرامنطقی ، بین المللی ، نظامی و اقتصادی را از گردانندگان آن میطلبد؛ که با طرح ، تدوین و پیروی از این راهکار، برنامه های مخالفین خارجی و اشباح ایشان (نیروهایی که با برنامه ها طی چند سال گذشته، امروز اوضاع و شرایط کشور را آستن پیامد یک فاجعه ی خونین و تیره روزی نموده اند)، را با کیاست دیپلوماسی، نقش بر آب خواهد ساخت.

آغاز کار را در دوبرعد باید در نظر گرفت:

اول: در بعد سیاست داخلی

دوم: در بعد سیاست خارجی

در بعد سیاست داخلی:

عنصر اساسی در آغاز کار بخش سیاست داخلی وفاق ملی است. همه ملیت ها باهم برادر و برابر اند.

درینجا مهم پنداشته میشود که قبل از تدوین و تکوین ستراتیژی صلح افغانی، کسانیکه فکر میکنند (مردم ما ایشان را کاملاً" شناسایی کرده است که تعداد آنها در حکومت آقای کرزی از تعداد انگشتان هردو دست بیشتر نیست) یگانه راه رسیدن به صلح، مذاکره و مفاهمه به طالبان اند؛ باید بفهمند که کاملاً" به آدرس غلط مراجعه کرده اند. اگر اینرا نمیپذیرند، موجودیت ایشان در اجرای استراتژی جدید افغانی نی تنها موثر تمام نشده ، بل یک سری مشکلات را هم ببار آورده عملیه ی صلح را تخریب میکنند که بایست از مسیر راه تامین صلح دور رانده شوند.

در برابر همه ملیت های افغانستان یک شعار قرار داده شود «نجات وطن از تجزیه و فاجعه»

از آنجائیکه سیاست خارجی شالوده‌ی سیاست داخلی است، بنا "کار را بایست از داخل کشور آغاز کرد. با تاسف که طی ۹ سال گذشته دولت افغانستان نتوانسته است تا یک ستراتیژی جامع داخلی و خارجی داشته باشد. همه دولت مردان به سیاستهای روزمره‌ی روتین چسبیده اند، و به آینده‌ی کشور و مردم فکری نکرده اند.

کار را از چه؟ از کجا و چطور آغاز نمود؟

ایجاد کمیسیون ها:

یادداشت ضروری: شرط اساسی عضویت در تشکیل کمیسیونها، انتخاب و گزینش افراد و شخصیت های صادق، وطنپرست، کاراگاه، تحصیلکرده- متخصص و با تجربه میباشد.

- **کمیسیون سیاست خارجی** ((شامل وزارت امور خارجه (اشتراک نماینده های با صلاحیت از تمام مدیریت های سیاسی- منطوقوی، مدیریت مالی- اقتصادی و مرکز مطالعات استراتژیک نیز لازمی است)، مسوولین کمیسیون های روابط خارجی ریاست جمهوری، پارلمان، سنا، استادان، نماینده های باصلاحیتی از دیپلمات های صاحب نظر و شخصیت های مستقل سیاسی در داخل و خارج از کشور)).

هدف: طرح و تدوین یک استراتژی سیاست خارجی افغانی. (ریشه یابی جنگ در افغانستان که بر مبنای سیاست های مهم اقتصادی بخاطر منابع زیرزمینی در منطقه به پیش برده میشود و سایر مشکلات چون تروریسم هم به حیث ابزاری بخاطر تحقق این اهداف مورد استفاده قرار میگیرند. تدوین استراتژی سیاست خارجی افغانی فقط با در نظر داشت منافع کلیه کشور های غرب، منطقه، همسایه ها و افغانستان میتواند موفقانه به سر برسد. برای تطبیق موفقانه ی اهداف در استراتژی افغانی، یگانه کاربرد موثر جلب و تغییر ذهنیت عامه جهانی در مورد راهکار دقیق و شفاف تامین صلح در منطقه و افغانستان میباشد.

- **ایجاد و تشکیل کمیسیون امنیت ملی** (شامل سه نیروی امنیتی کشور یعنی وزارت های دفاع، داخله و ریاست امنیت ملی با شرکت جنرالان نظامی فعال و باز نشسته در داخل و خارج از کشور و استادان حربی پوهنتون، اکادمی نظامی و متخصصین امور نظامی).

هدف : بررسی و تدوین طرح راه های عملی تامین و تحکیم امنیت، ساختار های جدید نیروهای امنیتی سه گانه و تجهیز و تمویل آن از نظر کمی و کیفی در مطابقت با موقعیت جغرافیایی، نفوس و بیلاس نیروهای امنیتی کشور های همسایه. جلب همکاری نیروهای خارجی برای استفاده و کنترل مراکز و فعالیت های تروریستی در منطق از طریق سیستم های مدرن تخنیک دیجیتالی و ستلایتی (مثلا" حدود ۲۵ سال قبل، با فرآورده های تخنیکی آن زمان، نیروهای شوروی، رهبر مخالفین خود در چیچین را بادیافت زنگال تلفونی، در جریان صحبت ، مورد حمله قرار داده وی را با همکاران نزدیکش محو نمودند).

- **کمیسیون اقتصادی** (شامل وزارت های ذیربط، استادان و دانشمندان متخصص در عرصه ی امور اقتصادی، در داخل و خارج از کشور).

هدف: طرح و تدوین یک استراتیژی واحد اقتصادی (کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت) بادر نظر داشت الویت های رشد و تکامل اقتصادی (زراعت و صنعت)، شرایط زیر ساخت های مهم اقتصادی کشور. پروژه های بررسی ازمنابع زیر زمینی و طبعی افغانستان، رشد الترناتیف کوکنار (زعفران، انار ..).

بعد از نه سال دانشمندان عرصه ی اقتصاد در امور افغانستان به این نتیجه ی کلی رسیده اند که کاربرد **سیستم اقتصاد مختلط** نسبت به همه سیستمها موفق و موثر بوده در زمان کوتاه به فقر و بیکاری، بی نظمی در خودکامگی های بازار آزاد، خاتمه خواهد داد. تلاش برای جلب تطبیق پلان مارشالگونه برای رشد سریع اقتصاد کشور.

- **کمیسیون مبارزه با فساد اداری** (وزارت عدلیه با مشارکت ستره محکمه ، سه ارگان امنیتی و نمایندگان متخصص در پارلمان و سنا).

هدف : جمع آوری اسناد و مدارک و مبارزه ی جدی در برابر فساد اداری، مافیای زمین و مواد مخدر و تثبیت افراد ذیدخل در قضایا.

- **تشکسل و ایجاد بورد مطبوعاتی** (به سرپرستی وزارت اطلاعات و فرهنگ، مخابرات، نماینده با صلاحیت مدیریت اطلاعات و نشرات وزارت امور خارجه با شرکت استادان امور ژورنالیزم و نخبه گان امور).

هدف: تبلیغات و اشتهاارات در مطبوعات داخلی و برونمرزی از حقانیت و موثریت استراتیژی افغانی در راستا صلح و ثبات در کشور و منطقه .

اهداف عمومی از کار کمیسیون ها را توحید اهداف برنامه های کوتاه مدت، میانه مدت و دراز مدت تشکیل داده که تنظیم و انسجام این اهداف توسط روسای هر کمیسیون طی اجلاس های مشترک، عبارت خواهد بود از استراتیژی افغانی برای تامین صلح و ثبات پایدار (استراتیژی ملی) برای کشور.

در بعد سیاست خارجی:

مشکل جنگ در افغانستان بصورت قطع، مشکل افغانستان نیست ، بلکه این یک مشکل منطقی و بین المللی میباشد. اسناد محرم افشا شده توسط سازمان ویکی لیکس نمایانگر آن است که این جنگ را خارجی ها به پیش میبرند . طالبان و غیره جز ابزاری بیش نیستند. حقیقت و هدف اصلی ادامه ی این جنگ ویرانگر که بار سنگین آن را ملت ما با قربانی های فراوان میکشد. بازی و تقابل پنهانی کشور های ذیدخل در منازعه بوده که به خاطر نفوذ اقتصادی- سیاسی و نظامی بوده که بدون تفاهم و تشریک مساعی این همه کشورها نمیتوان به صلح و ثبات در منطقه دست یافت. غرب تا کنون، چنین می اندیشد که به تنهایی میتوان بر منطقه حاکم شد و به اهداف خود رسید. ولی به باور من، چنین طرز فکر بی پایه و یک اشتباه بزرگ تاریخی است. به خصوص بعد از اعلان موجودیت منابع زیر زمینی (نفت و فلزات) از یک جانب انبوهی از بازیگران تازه ، درین بازی شرکت میجویند، و از جانب دیگر دامنه ی این تقابل گسترش می یابد. دیپلوماسی افغانستان باید به همه بازیگران منطقی و بین المللی، تیزسی راطرح و پیشنهاد نمایند تا همه کشور ها ی متذکره در معادلات و معاملات، بالای تقسیم منابع در منطقه، به نتایج سودمند با در نظر داشت قوانین حقوق بین الدول برسند. که بازهم منافع افغانستان در الویت قرار داشته باشد. منابع زیر زمینی مکشوف و نامکشوف افغانستان خودزمینه ساز و بهترین گزینه برای توفیق یک دیپلوماسی خوب و کاری است . برای جلب همکاری و پذیرش خواستها و پیشنهادات جانب افغانی که در موثر بودن آن در ایجاد یک دیپلوماسی فعال و نیرومند افغانی که در زمینه، هیچ نوع تردیدی وجود نخواهد داشت. کشور های زیادی در منطقه مثل افغانستان، هند و پاکستان که خود پرورشگاه تروریسم است، قربانی تروریسم بوده و از آن رنج میبرند. همسایه ها جز پاکستان از روند کنونی و حضور نیروها از آنطرف ابحار به تشویش اند. بنا" همسایه ها و کشور های عضو کنفرانس شانگهای حامی و ترویج کننده

خوب این دیپلوماسی افغانستان خواهند بود. دیپلوماسی افغانستان باید مبتکر آن باشد تا خط فاصل را میان متحدین بین المللی تروریزم ایجاد کند(باید مار آستین را دور سازند). آنگاه خواهد بود که جنگ به خودی خود فروکش کرده و بخودی خود خاتمه مییابد. برای رسیدن به این نیل، دیپلوماسی افغانستان به جلب افکار عامه جهان که که به قول یکی از سیاستگذاران مهم در عرصه ی سیاست جهانی (هانری کیسنجر) بسیار مبرم و اساسی است، کار خویشرا آغاز نماید(اینکه چگونه، درین عرصه به کار آغاز نماید، به هنجارهای عملی این کاربرد، در بخش وظایف وزارت امور خارجه تذکر داده خواهد شد).

بایست ذهنیت یا افکار جامعه ی جهانی را به این امر معتقد ساخت که مشکل تروریزم و مواد مخدر مربوط افغانستان نبوده، بل یک مشکل منطقی و بین المللی است. و کلید محو تروریزم در منطقه نزد آی اس آی پاکستان مییابد. باید تشکیلات اساسی القاعده و طالبان، شبکه ی تروریستی حقانی...، محو و نابود گردد.

با بنیاد گرا ها به هیچصورت نمیتوان کنار آمد، چنین تصور خبط سیاسی بزرگ و عدم شناخت دقیق از افغانستان و منطقه بوده به سود هیچیک از کشور ها نخواهد بود. با آوردن بنیاد گرا ها در حاکمیت افغانستان(خذف نامهای شان از لیست سیاه، به صراحت این پروژه ی ناکام را افشاء میکند)، غرب به هیچصورت به هدف نرسیده بنا با تامل با ید به تغییر این تاکتیک اقدام گردد.

بدون تفاهم، مساعی، همکاری و مشارکت کشور های همسایه، هند، روسیه و غرب به هیچصورت نمیتوان به این منازعه و بحران پایان داد. منافع کلیه کشور های ذیدخل در قضایای افغانستان، با در نظر داشت منافع ملی کشور باید جدا" مطمع نظر باشد. ستراتیژی افغانستان باید بر اساس منافع و تلاقی سیاسی و اقتصادی استوار باشد، نه بر اساس تقابل سیاسی - نظامی. هوشمندانه و با خلاقیت با همه جوانب ذیدخل در منازعه ی افغانستان معامله صورت گیرد، طوریکه ارزشهای ملی کشوری در الویت قرار داشته باشد.

با شجاعت، متانت و استواری بایست در حل معضله ی زخم خونین (خط دیورند) که جانب افغانی حق هیچگونه ادعایی را مبنی بر تحمیلی بودن آن، در موجودیت و در مطابقت با اسناد و مهاهدات حقوق بین الدول و سایر میثاق های نافذه و مندرج در مدارک ملل متحد(از جنگ جهانی دوم بدینسو) ندارد(درین زمیته اسناد کافی وجود دارد)؛ در موجودیت و با تشریک مساعی نیروهای بین المللی، که درین شرایط یک چانس طلایی خوبی برای افغانستان میسر است، به سود کشور، نقطه پایان داد.

دست آوردهای ۹ سال اخیر را حفظ و ادامه داد. آنگاه دست بازیگرانی که وضع و شرایط را چنین بحرانی ساخته اند، با پشتیبانی و اعتماد جامعه ی جهانی، از ابتکارات و رویکرد های شفاف و مفید دولتمردان افغانستان، کوتاه خواهد شد.

هرگاه محو کشت کوکنار روی دست گرفته شود و به این پیشنهاد(نقطه عطف مخالفت دوکشوریکه در زمینه حضور نیرومند در کشور دارند) جامه ی عمل پوشانیده شود، مشت حامیان اصلی طالبان نیز باز خواهد شد. الترنیتیف کشت کوکنار که زعفران ، انار ... میباشد، باید ترویج و انکشاف یابد. اگر بسیار تشویش در رابطه به دهقانان ولایاتی که کلیه مزارع را به کشت کوکنار اختصاص داده اند واقعا" وجود دارد طوریکه مقامات رسمی دولت حتا آقای کرزی به کرات اذعان داشته اند(که دهقان ما چه بخورند اگر کشت کوکنار محو گردد؟، صرفنظر ازینکه فکر نکرده اند که ولایاتی که تولید کوکنار را به صفر تقرب داده اند، دهقانان آن ولایات چه میخورند؟، باید درین ولایات با کشت الترناتیف کوکنار، عجالتن مثل ابتکار در سالهای دهه ی ۱۹۸۰، کوپون مواد غذایی توزیع گردد و پول آن از خزینہ ی مبارزه بر ضد مواد مخدر و چیزی هم از بودجه وزارت هایی که نمیتوانند پول خودرا به مصرف رسانند، اختصاص داده شود.

حاکمیت افغانستان به کمک جامعه ی جهانی ، بایست مبتکر و سازماندهنده ی نیرومند تامین و تحکیم استقرار صلح و بهروزی در افغانستان و منطقه باشد.

چرا یک ملیت نزد عامه ی جهان متهم به متحجر بودن، واپسگرا و بنیادگرا معرفی گردد؟

- تلاش برای تشکیل شورای امنیت منطقی

این شورا که به ابتکار افغانستان تشکیل خواهد شد؛ عضویت کشور های همسایه، هند، روسیه، سعودی و امریکا، نماینده ی اتحادیه ی اروپا، و ملل متحد در نظر گرفته میشود. این شورا وظیف خواهد داشت تا از روند فعالیت ها و وظایف محوله ی کشور های عضو نظارت نماید. هر کشوری که از قرار دادهای این شورا تخطی نماید، و بخواهد بازهم با سیاست دوپهلوی باین شورا بازی نماید، به اساس فیصله ی اکثریت اعضای این شورا اسناد تخطی به شورای امنیت ملل متحد سپرده شود تا با برخورد لازم، کشور مذکور را از طریق شورای امنیت ملل متحد و با

صدور قطعنامه ی، تحت فشار قرار داده، شرایطی جدی را هم برای چین کشور واگذار نماید تا چین تخطی ها تکرار نگردهد.

هدف: تشریک مساعی همه کشور های ذیدخل و ذینفع؛ در کنترل و فعالیت منسجم در محو کامل تروریستان - دهشت افگنان و کشت، قاچاق و ترافیک مواد مخدر در منطقه با استفاده از تخنیک پیشرفته ی زمینی و ماهواره ای.

این شورا زمینه و شرایط خوبی را برای تحت فشار قرار دادن حامیان منطوقی تروریزم، تا سرحد تعزیرات اقتصادی، میتواند به شورای امنیت پیشنهاد نماید.همینکه لاقول در زمینه پیشنهادی صورت بگیرد، بر نیرومندی دیپلوماسی افغانی، و منزوی شدن کشور های حامی تروریزم تاثیرات جدی را به جا میگذارد.

شورای امنیت منطوقی در هر سه ماه گزارش اجراءات خویشرا به شورای امنیت ملل متحد تسلیم نماید.

پیشنهاد صورت گیرد تا شورای امنیت ملل متحد در هر شش ماه نتایج کار شورای امنیت منطوقی را به جهانیان اعلام دارد.

وزارت امور خارجه که یکی از از نهاد های اساسی پیشبرد روند کاری درین راهکار شمرده میشود، شعبات سیاسی آن وظایف سپرده شده استراتیژی افغانی را که از جانب وزارت امور خارجه برایش کوردینیت خواهد شد؛ در سرخط پلان های سه ماهه ی نمایندگی های سیاسی خویش قرار داده، تمام نمایندگی های سیاسی کار ضربتی را طی تنظیم ملاقات ها با کمیته های مختلف پارلمان و سنا، رهبران احزاب مهم سیاسی، سازمانهای بزرگ اجتماعی طرفداران صلح، شخصیت های مشهور، بازگو و همکاری ایشان را در حمایت ازین روند جلب نمایند.

نمایندگی های سیاسی افغانستان مقیم خارج، نشرات و بولتن های خبری خویشرا بیشترین در جهت تبلیغ و ترویج استراتیژی افغانی اختصاص دهند. در جریان سفر های کاری کمیسیونها به کشور های خارج، مسوولین نمایندگی های سیاسی مکلف به ارایه ی گزارش، از کارکرد های خویش در زمینه استراتیژی افغانی، که در سرخط پلانهای کاری سه ماهه ی سفارت ها قرار خواهد داشت، میباشند .

وزارت امور خارجه ی افغانستان برای جلب حمایت و پشتیبانی از استراتیژی افغانی، تنظیم سفر های مسوولین و اعضای کاری کمیسیونها را که شامل اعضای متخصص پارلمان، سنا، و بخش روابط خارجی و شورای امنیت

ریاست جمهوری میباشند، با پارلمانها، سنا ها، مسوولین و رهبری احزاب سیاسی، سازمانهای مختلف نیرومند اجتماعی، سازمانهای زنان، اتحادیه ها و شخصیت های مهم سیاسی کشور ها، بخصوص کشور های ذیدخل و موثر در قضایای افغانستان روی دست گرفته و آنرا عملی نمایند.

هرگاه تیزس پیشنهاد شده دلسوزانه و صادقانه تطبیق شود، من فکر میکنم که راه خوشبختی و بهروزی شگوفایی، ترقی و تعالی برای مردم ما هموار میگردد.

<http://da.azadiradio.org/content/article/2121182.html> *

<http://da.azadiradio.org/content/article/2130003.html> *

افغانستان یک میلیون دالر با سیلاب زده گان



پاکستان کمک کرد

۲۶.۰۵.۱۳۸۹